

بررسی شهادت در قوانین جزایی ایران با تاکید بر جنسیت شهود (اشخاص)

آذر بیات^۱، مریم گیشگی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفا دشت

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفا دشت

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی شهادت در قوانین جزایی ایران با تاکید بر جنسیت شهود (اشخاص) بود. در همین راستا با روش کتابخانه ای به دنبال منابع موثق برای ارائه مطلب برآمدیم. نتایج بررسی اجمالی قوانین جزایی نشان داد که امروزه در قوانین اغلب کشورها شرط مرد بودن در زمره شرایط لازم برای اعتبار شهادت نیست ولی در مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران، تفاوت هایی در اعتبار شهادت زن، نسبت به شهادت مرد وجود دارد. پذیرفته نشدن شهادت زنان در برخی موارد تبعیض نیست، بلکه به خاطر متفاوت بودن خصوصیات و اخلاق و رفتار زنان با مردان است که با توجه به این تفاوت ها درست نیست که همه تکالیف و حقوق زن و مرد شبیه به یکدیگر باشند بلکه باید متساوی باشند و تساوی و تشابه دو چیز جدا از هم هستند. زنان به طور کلی از شهادت دادن منع نشده اند، بلکه شهادت آنها در برخی موارد پذیرفتنی است. همچنین شهادت یک حق نیست که زنان از این حق محروم شده اند بلکه یک تکلیف است و به این ترتیب تکلیف آنها نسبت به مردان سهل تر است.

واژه‌های کلیدی: شهادت، قوانین جزایی ایران، شهادت زن، جنسیت شهود

۱- مقدمه

یکی از نشانه های جامعه مدنی، قانون گرایی و اجرای قوانین کارآمد و مناسب با آن جامعه در راستای تکامل بشری است؛ زیرا در سایه قانون و عمل بدان است که جامعه به سوی رشد، کمال و تمدن حرکت می کند. یکی از مسائل مطرح در دعاوی حقوقی بحث شهادت است و نقش جنسیت در اعتبار شهادت از جمله مباحث مهم در راستای اثبات دعوی در حقوق ایران محسوب می شود و اینکه آیا زن و مرد بودن در اعتبار شهادت تأثیری دارد یا خیر؟ بررسی چگونگی پذیرش برخی از دعاوی و شهادت زن در دادگاه از مباحث بحث برانگیز در مجامع زنان بوده و همچنین دستاویزی برای برخی کسانی است که با نگاهی تبلیغاتی و کم محتوا به آن می نگرند. شهادت در صورتی معتبر است که شرایط لازم و ضروری در آن موجود باشد. بعضی از این شرایط مانند شرط بلوغ و عقل، مربوط به قدرت تعقل و تشخیص شاهد و برخی هم مانند عدالت و وثاقت، مربوط به اعتماد به شاهد و اطمینان از صحت گفتار او است. همچنین باید مسلمان و شیعه باشد؛ زیرا کافر متصف به فسق و ظلم است و فسق و ظلم هر دو مانع قبول شهادت او می شود و شهادت غیر امامی نیز به صورت مطلق رد شده است. هدف مقاله حاضر بررسی شهادت در قوانین جزایی ایران با تأکید بر جنسیت شهود (اشخاص) می باشد.

۲- شهادت و بینه در لغت

کلمه ی شهادت در لغت یا از ریشه «شهد یشهد، شهودا» به معنای حاضر شدن و یا از ریشه «شهد یشهد شهادة» به معنای خبر دادن و ادا کردن است. اگر این کلمه بدون حرف اضافه استعمال شود به معنای حاضر شدن است، با حرف اضافه «علی» به معنای خبر قطعی دادن و با حرف «باء» مانند شهد عند حاکم لفلان بكذا (نزد حاکم به نفع فلانی به فلان چیز شهادت داد) به معنای ادا کردن شهادت می باشد (ر.ک: جوهری، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۴۹۴). راغب در مفردات آورده است: «شهود و شهاده به معنای حضور همراه با دیدن است؛ دیدن با چشم باشد یا از روی حجت... ولی اینکه شهود به معنای حضور صرف باشد اولویت دارد و شهادت، به معنای حضور همراه با دیدن در اولویت است» (راغب، ۱۶۱۲: ص ۲۶۰). بینه مونث بین و جمع آن بینات (قرشی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۲۵۹) از ریشه ی «بان یبین بیانا» است. «بیان در لغت به معنای پرده برداری از یک چیز (و آشکار نمودن آن می باشد. ... کلام، بیان نامیده می شود؛ زیرا اظهار آن از معنای مقصود پرده برمی دارد» (راغب، ۱۶۱۲: ص ۱۵۷-۱۰۸).

۳- شهادت در اصطلاح

در قوانین ایران تعریفی از شهادت نشده است، اما حقوق دانان برای شهادت تعاریف متعددی بیان کرده اند؛ بعضی معتقدند شهادت عبارت است از اخبار وقوع امور محسوس به یکی از حواس، اگر اخبار به حقی، به ضرر خود و به نفع دیگری باشد آن را اقرار گویند. گواهی گاهی به معنای تصدیق است که در این صورت با مفهوم شهادت فرق دارد. در فقه بیشتر شرط می کنند که مشهود به باید از دیدنی ها (مبصرات) یا شنیدنی ها (مسموعات) باشد، مانند عقد و ایقاع که شنیدنی است و قتل و دزدی که دیدنی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۹۷). بعضی معتقدند شهادت عبارت است از اخبار شخص از امری به نفع یکی از طرفین و به زبان دیگری (امامی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۸۹). شهادت و گواهی فعلی است که برای اثبات حق و ابطال باطل توسط فرد یا افرادی ادا می شود. شهادت برای اثبات حق در محاکم بعد از اقرار و سند رسمی در جایگاه سوم قرار دارد.

۴- شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۳ اصلاح شده در سال ۱۳۷۰ به پیروی از فقه امامیه درباره شرایط شاهد مقرر است: ((در شاهد بلوغ - عقل، عدالت - ایمان و طهارت مولد شرط است)) این حکم چهره اخلاقی و مذهبی دارد و نشان می دهد که شهادت بر حق تکلیفی اجتماعی و اخلاقی است شرایط ماده ۱۳۱۳ ق.م تبصره آن در سه شرط اصلی: ۱- اهلیت ۲- شایستگی اخلاقی ۳- پرهیز اخلاقی بیان نموده که هر یک از این شرایط توضیح داده می شود.

۱- بلوغ: در کل شاهد باید بالغ باشد یعنی به سنی رسیده باشد که بتواند اهمیت شهادت را بفهمد تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م می گوید: سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است شهادت اطفالی که به سن پانزده سال تمام نرسیده فقط ممکن است برای مزاید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد اگر این ماده در ارتباط با اطفال پسر بود با تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ فوق الذکر مطابقت می کند.

و به نظر مشهور فقهای امامیه شهادت ممیز مادام که به «حد رشد و بلوغ نرسیده ارزش ندارد»

۲- عقل: عقل نیز یکی از شرایط گواه است (بند ۲ ماده ۱۵۵ ق.آ.د.ک) بنابراین گواهی مجنون معتبر شناخته نمی شود. اما گواهی مجنون ادواری چنانچه در حال افافه باشد و این امر احراز شود معتبر است با توجه به روح قانون شهادت کسی که در اثر کبر سن یا بیماری مبتلا به فراموشی است و اغلب امور یا بعض آنها را فراموش می نماید معتبر نمی باشد بله از این حیث در حکم مجنون است و آن کسی که عموماً به اموری که در برابر او می گذرد توجهی ندارد و ممکن است تمامی جزئیات امری را که نسبت به آن گواهی می دهد در ذهن خود ضبط نکرده باشد پس، به گفتار بله نمی توان اعتماد نمود مگر آنکه دادرسی به وسیله تحقیقات لازم بتواند حقیقت امر گفتار او به دست آورد. اما شهادت سفیه معتبر دانسته شده زیرا او عاقل است و عقلانی نبودن تصرفات او در اموال و حقوق مالیش مانع از اعتبار گواهی او نمی باشد.

۲ - متهم نبودن: شهادت فردی که خود به عنوان متهم در پرونده جاری شناخته می شود مورد استناد نیست.

۳ - ذینفع نبودن: مراد از ذینفع بودن این است که شاهد با شهادت خود نفعی را تحصیل نماید یا به سبب آن ضرری را از خود دور سازد. از این دو شهادت شریک، به نفع شریکش نیست به مالی که میان آنها مشتری است به گونه ای که اگر شهادت قبول شود مال میان آنها مشترک می شود و نیز شهادت وصی درباره متعلق وصیت و نیز شهادت طلبکاران به نفع مفلس (ورشکسته محجور) و متوفی پذیرفته نخواهد بود لازم است مشروط معتبر در شهادت به هنگام ادای شهادت، نه زمان تحمل آن خواهیم باشد بنابراین اگر تنها با وجود بخشی از این مشروط، تحمل شهادت کند و سپس به هنگام ادای شهادت تمامی این مشروط فراهم آید، شهادت مسسومع است.

۴- نبودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط: بند ۷ ماده ۱۵۵ ق آ د ا م «عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا را از شرایط گواه قرار داده است این شرط در قانون مدنی نیامده است و یک از تفاوت های بارز و موثر این قانون آیین دادرسی در این خصوص است البته این شرط در ماده ۴۱۳ ق آ ق آمده بود.

در ماده ۹۱ ق م «هر گاه دعوای حقوقی یا جذابی بین گواه و طرفی که علیه او گواهی داده می شود در جریان باشد یا در گذشته در جریان بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی در آنها دو سال نگذشته باشد، این امر وجود دشمنی دنیوی بین آنها شمرده می شود ملاک مزبور منطقی بوده وجود دشمنی دنیوی را آسان می نماید، زیرا وجود اختلاف مالی و خانوادگی و ... زمانی که به صورت دعوا در مراجع متنا مطرح می شود نشان دهنده ی «دشمنی» طرفین با یکدیگر است در مورد دشمنی دنیوی، هر گاه گواهی به نفع طرف باشد، پذیرفته می شود.

۵- اشتغال نداشتن به تکدی و ولگردی: شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند « قابل پذیرش نیست زیرا وضعیت اخلاقی آنها موجب تهمن آنان می شود که در گفتار خود تطمیع شده باشد. شرایط ذکر شده کلی بوده و پرداختن به شرایط شهادت دادن در حقوق ایران مباحث متنوعی را شامل می شود که در این مقاله جای بحث ندارد و ذکر اهم شرایط کفایت می کند.

۵- اهمیت شهادت

نقش شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی، بسیار برجسته است و سرنوشت جان، مال و ناموس افراد را تعیین می کند. با توجه به این، سزاوار نیست در اثبات دعاوی که بعضاً اثرات مهم و تبعات سنگینی در پی دارد به امری دارای منشأ غیر منضبط، مبهم، نامعلوم و در نهایت، غیر قابل اطمینان (شهادت غیر مستند به حس) تمسک نمود. بنابراین در آن دسته از دعاوی که شهادت مثبت دعوی است، به جز مواردی که به دلیل خاص، صرف استفاضه در آنها کافی است، باید استناد به حسی بودن علم را شرط پذیرش شهادت بدانیم. پس مستند شهادت باید حتماً علم قطعی به مورد شهادت باشد یا دیدن در اموری که دیدن در آن بسنده می کند. مانند کارهایی چون سرقت، قتل، رضاع... در چنین اموری شهادت پذیرفته می شود زیرا در این افعال نیازی به شنیدن نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۲، ص ۴۲۰).

۶- کارکرد حقوقی جنسیت شهود

جنسیت به عنوان یکی از شرایط شاهد، هیچگاه به طور مستقیم در حقوق ما مورد اشاره واقع نشده است. نگاه اجمالی به قانون مدنی نشان می دهد که مقنن هنگام بیان موانع و شرایط شهادت ابدأً به جنس اشاره نداشته است. چنانچه شخصی فقط باب شهادت در قانون مدنی را مطالعه کند، ممکن است سیاست فقدان تبعیض جنسیتی مقنن را بیستاید. در عین حال با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی، مقنن شرطیت جنسیت را در قالب نصاب شهود در ماده ۲۳۰ پیش بینی نموده است که انعکاس یک نظر مشهور از فقه است. پاره ای از حقوق به وسیله شهادت دو مرد، و یک مرد و دو زن، و یک شاهد همراه با قسم ثابت می شوند مانند: دیون (بدهی ها)، اموال، و جنایتی که موجب دیه می شود.

در قانون مجازات اسلامی نیز، جنسیت به عنوان شرط شهادت ذکر نشده است؛ چنان که ماده ۱۷۷ ق.م. بیان می دارد: «شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد: الف) بلوغ، ب) عقل، پ) ایمان، ت) عدالت، ث) طهارت مولد، ج) ذی نفع نبودن در موضوع، چ) نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها، ح) عدم اشتغال به تکدی، خ) ولگرد نبودن.» اما در ماده ۱۶۹ ق.م. بیان می دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است؛ مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد. برای اثبات زنا، موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند، تنها حد شلاق، ثابت می شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.» و در حقیقت قانون گذار در این ماده در پذیرش شهادت زن به عنوان ادله اثبات جرم قائل به تفصیل شده است؛ چنانچه در صدر ماده در برخی حدود، مثل زنا، لواط، تفخیز و مساحقه، شهادت زن را نپذیرفته و اصل را بر مرد بودن شاهد گذاشته است، و در ذیل ماده، ضمن پذیرش شهادت زن، جنسیت را مبنای تفاوت در تعداد شهود قرار داده است. که این نیز به پیروی از قول مشهور امامیه است که جنسیت را در مواردی مبنای اعتبار شهادت دانسته اند.

دیوان عالی آراءهای مختلفی در ارتباط با شهادت صادر نموده است مانند رای دیوان به شماره رأی ۲۸۳ و یا رای دیوان به شماره ۱۱/۷۳۷ و... که در ذیل به اختصار به بیان یکی از آنها پرداخته می‌شود دیوان عالی کشور در رأیی به کلاسه ۳-۳۳۷۹/۱۲ و به شماره ۱۲/۳۰۹ و به تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۷ بیان داشته است: با عنایت به مندرجات اوراق پرونده و با توجه به مواد ۹۵ و ۸۵ ... راه‌های ثبوت زنا در دادگاه چهار جلسه اقرار به زنا و با شهادت چهار مرد عادل، یا سه مرد عادل با دو زن عادل است که در ما نحن فیه دادگاه نه متهم اقرار به زنا کرده و نه کسی به زنا شهادت داده اند... « در این رأی بیان شده است: در زنا که جرمی حدی است شهادت زنان از حیث میزان اعتبار در عدد می‌بایست دو برابر مردان باشند تا اعتبار پیدا کند بنابراین در رویه قضایی نیز از رأی مشهور تبعیت کرده اند.

۷- شهادت زن در قوانین ایران

شهادت یکی از ادله اثبات دعوی است و تنها راه عمومی که در همه اوضاع و شرایط می‌توان به وسیله آن حوادث را ضبط کرد (طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۵). در قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۵۸ دلایل اثبات دعوی را پنج چیز شمرده است که یکی از آنها شهادت است. در امور کیفری و اثبات جرم نیز شهادت به عنوان یکی از ادله به شمار می‌رود در قانون مجازات اسلامی در بحث مربوط به هر یک از حدود و نیز قصاص، نحوه اثبات آنها به وسیله شهادت بیان شده است. در مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی و کیفری نیز از شهادت به عنوان دلیل اثبات حق یا اثبات جرم یاد شده و ضوابط و ترتیبات مربوط به آن ذکر شده است. شهادت در صورتی معتبر و در اثبات دعوی مؤثر است که شرایط لازم در شاهد و نوع ادای شهادت موجود باشد.

یکی از مسائل مطروحه در بحث شهادت، نقش جنسیت در اعتبار و ارزش شهادت است، یعنی آیا زن بودن یا مرد بودن تأثیری در اعتبار شهادت دارد یا خیر؟ امروزه در قوانین اغلب کشورها شرط مرد بودن در زمره شرایط لازم برای اعتبار شهادت نیست، ولی در مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران، تفاوت‌هایی در اعتبار شهادت زن، نسبت به شهادت مرد وجود دارد (محقق داماد، ۱۳۷۷، ص ۶۲).

قوانین فعلی ما از دو بخش عمده تشکیل شده است که در این جا ما شهادت زن را به طور مختصر در هر دو بخش بررسی می‌کنیم.

الف- در قوانین جزایی: قانون مجازات اسلامی ایران که شامل سه بخش حدود، قصاص و دیات می‌باشد در بخش مربوط به حدود و قصاص، به پیروی از کتاب‌های فقهی ضمن بیان هر یک از جرایم مستوجب حد و قصاص به شرایط و دلایل آنها نیز پرداخته است که از جمله آنها شهادت می‌باشد. شرایط مربوط به مؤثر بودن شهادت که در موارد مختلف ذکر شده است، در قانون مجازات اسلامی در مورد شهادت زنان دو نوع برخورد وجود دارد در بعضی موارد اصولاً شهادت زن به طور کلی پذیرفته نیست و در این موارد به شهادت زن ترتیب اثر داده نمی‌شود. شهادت وی اعتبار ندارد و فقط شهادت مرد که تعداد آنها مختلف است پذیرفته می‌شود و در مواردی به شهادت زنان اعتبار داده می‌شود، ولی به انضمام شهادت مردان (در واقع شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد به حساب می‌آید) طبق قانون مجازات اسلامی فعلی جرایمی مانند لواط، مساحقه، قوادی، کذب شرب خمر، محاربه، سرقت و قتل عمد فقط با شهادت مردان قابل اثبات می‌باشد و شهادت زنان در این موارد و جرایم پذیرفته نمی‌شود. موارد مزبور عبارت از:

ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آنها را مشاهده کرده باشند، ثابت می‌شود.

ماده ۱۱۹ تصریح می‌کند شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد لواط را ثابت نمی‌کند. ماده ۱۲۸ مقرر می‌دارد که راه‌های ثبوت مساحقه در دادگاه همان راه‌های ثبوت لواط است. و طبق ماده ۱۳۷ قوادی با شهادت دو مرد ثابت می‌شود.

به موجب ماده ۱۷۰ در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.

در ماده ۱۸۹ آمده است محاربه و افساد فی الارض از راه‌های زیر ثابت می‌شود.

الف - با یک بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قسط و اختیار باشد.

ب- با شهادت فقط دو مرد عادل: در ماده ۱۹۹ تصریح شده است که سرقتی که موجب حد است، از چند راه ثابت می‌شود که اولین مورد آن، شهادت دو مرد عادل است. در دو مورد شهادت زن نیز به انضمام شهادت مرد پذیرفته می‌شود و در اثبات جرم مؤثر واقع می‌شود که از آن جمله است یکی در مورد زنا که طبق ماده ۷۴ زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود. طبق ماده ۷۵ در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد، به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود. ماده ۷۶ تصریح می‌کند: شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند.

مورد دیگر، قتل غیر عمد است که شهادت زنان می‌تواند در اثبات آن مؤثر باشد. بند ب ماده ۲۳۷ مقرر می‌دارد: قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود.

ب- در قوانین مدنی: در قانون مدنی شهادت یکی از ادله اثبات دعوی به شمار آمده است و مواد ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۰ قانون مدنی نیز به بیان موارد و شرایط شهادت و شاهد اختصاص یافته است. به طور کلی در قانون مدنی در مورد تأثیر جنسیت در میزان ارزش و اعتبار شهادت سخنی گفته نشده و با توجه به اینکه شرایط لازم برای شاهد ذکر شده اما از مرد بودن و زن بودن شهود ذکری نشده است و در ماده ۱۳۱۳ مقرر می‌دارد که «دو شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است». همچنین است در مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی و کیفری نیز که تا قبل از تصویب قانون آیین داورى در دادگاه‌های عمومی و انقلاب مجری بوده است یا مشخصاً شرایط برای شاهد ذکر نشده و یا اگر شرایطی هم ذکر شده است بحثی از زن و مرد بودن شاهد به میان نیامده است. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

انطباق با کنوانسیون

مقایسه «شهادت» در کنوانسیون تبعیض علیه زنان از دو جهت قابل بحث و بررسی است. کنوانسیون به طور صریح به امر شهادت نپرداخته است، حکم صریحی در این خصوص بیان نکرده است. تنها موارد مرتبطی که برخی نویسندگان طرفدار فمینیست‌ها با امر شهادت مطرح کرده‌اند، بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون می‌باشد که مقرر داشته است «فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود» یک قاعده کلی و عام است و اختصاص به امر شهادت ندارد.

با توجه به اینکه شهادت یک امر تکلیفی است و حداقل از نظر شیعه تکلیفی بودن شهادت به اثبات رسیده، پس تنافی عدم پذیرش شهادت زنان با کنوانسیون مرتفع است، چون منطوق و مفهوم این کنوانسیون ناظر بر حقوق بوده، به دنبال رفع تبعیض در «حقوق» و ایجاد حقوق برابر میان زن و مرد است نه تکالیف، چرا که مواد متعددی از آن تصریح به برابری حقوق بین آن دو دارد. در نتیجه مقررات داخلی ایران و قوانین جاری هیچ گونه ضدیتی با مفاد کنوانسیون ندارد. البته این پاسخی است برای کسانی که ملاک و معیار خود را بر پایه کنوانسیون بنا کرده‌اند و گرنه صواب و ناصواب بودن مواد کنوانسیون فرصت را بر پایه

کنوانسیون بنا کرده‌اند و گرنه صواب و ناصواب بودن مواد کنوانسیون فرصت دیگری می‌طلبد که در این مورد خاص نیازی به توضیح بیشتری نیست.

به موجب ماده ۱۷۰:

«در صورتی که طریق اثبات شرب خمر، شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.»

در ماده ۱۸۹ آمده است:

«محرابه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت می‌شود: الف - با یک بار اقرار بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد؛ ب - با شهادت فقط دو مرد عادل.»

ماده ۱۹۹ مقرر می‌دارد:

«سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می‌شود: ۱- شهادت دو مرد عادل ...»

و سرانجام طبق بند الف ماده ۲۳۷:

قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.

در دو مورد شهادت زن نیز به انضمام شهادت مرد می‌تواند در اثبات جرم موثر باشد یکی در مورد زنا است که طبق ماده ۷۴:

زنا چه در موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود.

۸- شهادت بر شهادت زنان

در اینکه آیا زنان می‌توانند شاهد فرع شوند یا خیر، اختلاف است. گروهی معتقدند شهادت آنها بر شهادت مقبول نیست، خواه مورد شهادت از اموری باشد که شهادت زنان در آنها به صورت انضمام به مردان با تنهایی پذیرفته می‌شود (مثل اموال و ولادت و استهلال)، خواه چنین نباشد (مانند نکاح و خلع). جماعتی هم می‌گویند اگر مورد شهادت از مسائلی باشد که شهادت زنان در آنها پذیرفتنی است (مثل اموال و مانند آن)، زنان می‌توانند در آنها شاهد فرع شوند و اگر چنین نیست (مانند قصاص و حد قذف)، در آن صورت شهادت آنها بر شهادت مقبول نیست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۳۶-۲۳۳). به عقیده شیخ طوسی در المبسوط قول اول احوط و قول دوم اقوی است (همان: ص ۲۳) و در الخلاف قائل به پذیرش شهادت آنها در دیون، املاک و عقود شده، ولی در حدود نپذیرفته است (طوسی، ۱۹۰۷، ج ۶، ص ۳۱۹).

بنابراین در جایی که شهادت زنان جداگانه یا به ضمیمه مردان پذیرفته نمی‌شود، شهادت آنها بر شهادت، به اتفاق همه مقبول نیست؛ همان گونه که از بین فقهای معاصر، امام خمینی نیز بر آن تأکید کرده است (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۶۵۰). اختلاف تنها در اموری است که شهادت زنان در آنها مقبول باشد. در این فرض برخی چون شهید ثانی قائل به جواز شده و گروهی نیز چون ابن ادریس حلی و علامه حلی نپذیرفته‌اند، زیرا شهادت فرع، شهادت اصل را ثابت می‌کند، نه آنچه را که شاهد اصل، به آن شهادت داده است (جبعی عاملی، ۱۶۱۲: ج ۱، ص ۲۰۸). محقق حلی و امام خمینی نیز قول اشبه را منع دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۲۹؛ موسوی خمینی، همان).

۹- نتیجه گیری

یکی از مسائل مطروحه در بحث شهادت، نقش جنسیت در اعتبار شهادت است، یعنی آیا زن یا مرد بودن تاثیری در اعتبار شهادت دارد یا خیر؟ امروزه در قوانین اغلب کشورها شرط مرد بودن در زمره شرایط لازم برای اعتبار شهادت نیست ولی در

مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران، تفاوت هایی در اعتبار شهادت زن، نسبت به شهادت مرد وجود دارد. پذیرفته نشدن شهادت زنان در برخی موارد تبعیض نیست، بلکه به خاطر متفاوت بودن خصوصیات و اخلاق و رفتار زنان با مردان است که با توجه به این تفاوت ها درست نیست که همه تکالیف و حقوق زن و مرد شبیه به یکدیگر باشند بلکه باید متساوی باشند و تساوی و تشابه دو چیز جدا از هم هستند. زنان به طور کلی از شهادت دادن منع نشده اند، بلکه شهادت آنها در برخی موارد پذیرفتنی است. همچنین شهادت یک حق نیست که زنان از این حق محروم شده اند بلکه یک تکلیف است و به این ترتیب تکلیف آنها نسبت به مردان سهل تر است.

منابع و مأخذ

۱. طوسی، محمد بن حسن ۱۵۰۷ ه. الخلاف، تحقیق علی خراسانی و همکاران، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۷۶). **حقوق مدنی**. ج ۳، ۴ و ۶، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). **دانشنامه حقوقی**، ج ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۲ و ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) **زن در آیینه جلال و جمال**. قم: نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). **تفسیر تسنیم**، ج ۱۲. قم: نشر اسراء، چاپ اول.
۷. شمس، عبدالله (۱۳۸۷). **ادله اثبات دعوا**. تهران: انتشارات دراک، چاپ اول.
۸. قائم مقام فراهانی، عبدالمجید، (۱۳۷۹). **ادله اثبات دعوی بین المللی و داخلی**. تهران: انتشارات آوای نور، چاپ اول.
۹. علی محمدی، طاهر، السادات حسینی، آمنه. (۱۳۹۲). **تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق**. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵(۶۰) (تابستان ۱۳۹۲)، ۱۱۱-۱۴۳.